

حوادث

در فرودگاه مشهد بازداشت شد:

انتقام اسیدی زن بدنساز از مزاحمش...



به سرو صورت او با شیلد هم همراه یکی از دوستانم از شهر خارج شدم، سپس به جنوب کشور رفتم تا دستگیر شوم اما خود هم نفهمیدم که چرا و چگونه به مشهد بازگشته که در فرودگاه دستگیر شدم و اکنون نیز از این رفتار ناپرخانه بشیمانم که بر اثر لحظه ای عصبانیت و نفرت شکل گرفت. تحقیقات بیشتر در باره وای ای پنهان این ماجرای هولناک با صدور دستورات ویژه قضایی همچنان ادامه دارد.

داشت. مدتی بعد که من هم باشگاهی را در همان رشته ورزشی راه اندازی کردم، او برای کمک به امور باشگاه نزد من می آمد ولی آرام آرام از موقعیت و شرایط من سوء استفاده کرده بود حتی که دیگر دست به اخاذی می زد و ایجاد مزاحمت می کرد. این زن جوان در ادامه اعتراضات همچنین ادعا کرد دباشرایطی که برآیم به وجود آمده بود باز هم می ترسیم با پلیس تماس بگیرم یا از او شکایت کنم چون او مرا تهدید می کرد، به همین دلیل تصمیم گرفتم از طرفه مهاجرت کنم. به ناچار کار و زندگی ام را رها کردم و به شهرهای جنوبی کشور رفتم ولی متأسفانه او نشانی محل اقامت را به دست آورد و دوباره مزاحمت ها شروع شد. من هم به اسیدپاشی ادامه داد: این گونه بود که ناچار شدم به طرفه بازگردم اما این بار کینه و نفرت عجبی از «الف» در دلم داشتم نمی دانستم با این عصبانیت چه کنم تا این که نقشه اسیدپاشی به ذهنم خطور کرد. آن روز با ترندی خاص، «الف» را به منزل کشاندم و در یک لحظه بطری یک لیتری حاوی اسید را

مانند تا این که مشخص شد هوایم حامل متهم مذکور، ظهر شنبه دوم مرداد روی باند فرودگاه شهید هاشمی نژاد بر زمین می نشیند. همه چیز برای دستگیری متهم فراری مهیا بود و مبادی ورودی و خروجی فرودگاه باهماهنگی های قضایی، زیر نظر کارآگاهان قرار داشت. «الف» که تصور نمی کرد زیر چتر اطلاعاتی نیروهای انتظامی باشد، در حالی که با دقت اطراف خود را می پاید وارد کمین کارآگاهان شش و در یک لحظه باورناپذیر، حلقه های قانون بر دستانش گره خورد. این زن جوان که همچنان مات و مبهوت به دست بندهای نقره ای رنگ می نگرست، بی سرو صدا اسید خود روی پلیس شد و به مقر انتظامی انتقال یافت. ایسن زن جوان که مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفته بود، در همان دقایق اولیه از این حادثه و حسرتناک رافاش کرد و اسیدپاشی را به گردن گرفت. او در ادامه اعترافات خود مدعی شد: حدود شش ماهفت سال قبل با مرد جوانی آشنا شدم که یک باشگاه ورزشی

های نوین علمی شروع کردند. با توجه به شباهت و حساسیت هایی که این ماجرا در منطقه نفریحی طرفه شنانیدیز ایجاد کرده بود، گروه ویژه کارآگاهان به طور شبانه روزی و با استفاده از راهنمایی ها و تجربیات ارزنده مقامات قضایی شهرستان، دامنه عملیات های پلیسی را به جنوب کشور کشاندم چرا که بررسی های اولیه حاکی از آن بود که زن ۴۰ ساله به جزیره کیش گریخته است. پیگیری این سر نخ موجب شد کارآگاهان با دستورات ویژه قضایی، عملیات دستگیری متهم را در دو شاخه اطلاعاتی و انتظامی ادامه دهند اما زن جوان که زیر چتر اطلاعاتی پلیس قرار گرفته بود، در جزیره کیش و بنادر عباس احساس ناامنی کرد و تصمیم به بازگشت از آن جایی که تنگ شدن حلقه محاصره و کشاندم متهم به مشهد، نقشه عملیاتی و برنامه ریزی شده کارآگاهان بود، بنابراین آن ها ادامه عملیات را به فرودگاه بین المللی مشهد کشاندم و منتظر ورود زن متهم به اسیدپاشی

ویژه ای از سوی سرهنگ اویسی (رئیس پلیس طرفه شنانیدیز) آغاز شد چرا که اسیدپاشی از جرایم مهم به شمار می رود این گونه پرونده ها با بلاغیه سردار تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) به طور ویژه دستور کار پلیس قرار می گیرد. در حالی که مرد جوان در بخش سوختگی بیمارستان امام رضا (ع) مشهد بستری شده و تحت مداوا قرار داشت، گروه تخصصی کارآگاهان پلیس آگاهی جلسه کارشناسی را به سرپرستی سرگرد نگه (رئیس پلیس آگاهی طرفه شنانیدیز) تشکیل دادند و به بررسی ابعاد و زوایای مختلف این پرونده حساس پرداختند. طولی نکشید که مشخص شد اسیدپاشی در منزل زنی به نام «الف» صورت گرفته اما او لحظاتی پس از وقوع این حادثه دلخراش به مکان نامعلومی گریخته است. این گونه بود که گروه ویژه ای از کارآگاهان با نظارت و هدایت مستقیم «سرهنگ اویسی» وارد عمل شدند و رصدهای اطلاعاتی را با به کارگیری تجهیزات و فناوری

گروه حوادث - زن جوان با اقدامات اطلاعاتی پلیس در فرودگاه مشهد دستگیر شد. عصریست و چهارم تیر گذشته بود که ناگهان فریادهای دلخراش مردی جوان، ساکنان محله ای در شهرستان طرفه شنانیدیز را از منازل بیرون کشید. مرد جوان از شدت درد و سوختگی به خود می پیچید که شهروندان با نیروهای امدادی و پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند. دقایقی بعد امدادگران اورژانس در حالی پیکر نیم سوخته مرد ۳۰ ساله را به بیمارستان انتقال دادند که بررسی های مقدماتی نشان داد مرد جوان در یک ماجرای اسیدپاشی عمدی دچار سوختگی شدید شده است. از سوی دیگر نیروهای گشت انتظامی نیز که در محل وقوع حادثه حضور داشتند، با انجام یک سری تحقیقات میدانی به سرنخ هایی رسیدند که بیانگر اسیدپاشی توسط زن ۴۰ ساله بود. حاکی است، با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع، بلافاصله بررسی های تخصصی با صدور دستورات

زن همسایه چه دید؟!

فریمه برای سمیرا ادسیسه شیطانی داشت

معروف به «فریمه» باب گفت و گو و معاشرت با من را باز کرد. او با رفتارها و لیکندهای محبت آمیزش وارد زندگی ام شش و گاهی مشتربانی را به من معرفی می کرد. من هم که از نقشه شوم او خبر نداشتم، به این معاشرت ادامه دادم تا این که یک ماه قبل زمانی که «فریمه» در منزل من نشسته بود، متوجه شدم دسته کلید منم نیست. هر چه گشتم کلیدها را پیدا نکردم. یک لحظه به ذهنم خطور کرد که کلیدها را دست پسر فریمه دیده ام، بنابراین به او گفتم کلیدهای منم دست پسر شما بود اولی او قبول نکرد. من هم دیگر چیزی در این باره نگفتم، تا این که بعد از ظهر امروز برای خرید لوازم از خانه خارج شدم. در ایستگاه اتوبوس منتظر بودم که یکی از همسایگان با تلفن همراهم تماس گرفت و گفت زنی وارد منزلت شده است. من که مطمئن بودم کسی کلید منم را ندارد، بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم و خودم نیز مضطرب و نگران به طرف منزلم بازگشتم. وقتی آن جا رسیدم، فریمه را در کنار پلیس دیدم که تعدادی از رومبلی ها را درون پلاستیکی بزرگ گذاشته و به همراه یک دستگاه ترازو سرت کرده است. ماموران در بازرسی از کیف همراه وی نیز مقداری مواد مخدر صنعتی (شیشه)، هفت عدد کارت ملی متعلق به افراد دیگر و کارت های سوخت و عابریانک کشف کردند. در همین هنگام فریمه اعتراف کرد با سرت کلیدها به منزلم دستبند زده است. او با بیان این که مواد مخدر کشف شده را برای مصرف شخصی اش خریده است، در بازجویی ها مدعی شد به خاطر اعتیادش به شیشه ماجرای سرت از منزل مرا طراحی کرده است و ... شایان ذکر است، به دستور سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سیاد مشهد) تحقیقات تخصصی نیروهای تجسس درباره سرت های احتمالی دیگر این زن جوان آغاز شد.

گروه حوادث - زن جوان پرده از زندگی شوم خود برداشت. به گزارش رکناز، زن جوانی که به تازگی با من دوست شده بود، نقشه عجبی در سر داشت اما من که از نیت پیدا او اطلاعی نداشتم، به معاشرت با او ادامه دادم تا این که روزی ... زن ۴۴ ساله ای که شاکای یک پرونده سرت است، با بیان این که خام رفتارها و لیکندهای زنی حیلہ گر شده بودم و از نقشه پیدا او اطلاعی نداشتم، به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سیاد مشهد گفت: در آمد همسرم کفاف مخارج زندگی را نمی داد، به همین دلیل چرخ خیاطی قدیمی ام را روغن کاری کردم و مشغول دوختن رومبلی شدم تا با استفاده از هنر خیاطی ام کمک خرج خانواده باشم. خلاصه خیلی زود کار و بارسر گرفت و همسایگان سفارش های دوخت و دوز روپشتی و رومبلی هایشان را به من می دادند، تا این که در زنی



سناریوی جنایی عروس کینه جو برای مادر شوهر

سعی می کرد برای زندگی من مشکل ایجاد کند، حتی چند باری با ادعاهای پوچ از من شکایت کرد اما نتیجه اش را نرسید تا اینکه الان متوجه شدم ادعا کرده است من در دوران جوانی برای رسیدن به مردی دو دخترم را به قتل رساندم در صورتی که من اصلاً از شوهر اولم بچه دار نشدم. الان تعجب می کنم که عروس سابقم به خاطر انتقام از من چرا چنین دروغ شاخ داری را مطرح کرده است. سپس مأموران پلیس برای تأیید ادعای مهشید به سراغ شوهر سابق او رفتند و از وی تحقیق کردند. او گفت: ابتدای زندگی من و مهشید خیلی خوب بود، اما بعد از گذشت یکسال متوجه شدم اخلاق و رفتارمان با هم سازگار نیست و از نظر فرهنگی باهم تفاوت داریم. ما تصمیم گرفتیم و از هم جدا شدیم و اصلاً در آن یکسال زندگی مشترک هم بچه دار نشدیم که همسرا با هم بخواد فرزندانمان را به قتل برساند. در حالی که تحقیقات میدانی مأموران پلیس حکایت از آن داشت ادعای عروس سابق دروغ است، مأموران به دستور بازپرس جنایی برای اطمینان بیشتر از ادرا دقت احوال استعلام گرفتند که مشخص شد اصلاً در ثبت احوال کشور مشخصات دخترانی که از مرد و زنی به نام مهشید و حمید متولد شده باشند ثبت نشده است.

از شوهرش دو دخترش به طرز مرموزی به کام مرگ می روند و بعد هم او با مرد مورد علاقه اش ازدواج می کند که حاصل ازدواج دومش شوهر من است. او ادامه داد: من متوجه شدم که او عذاب وجدان دارد و آن شب سر نوشت تلخ خود را برای ما گفته بود. مهشید مدتی بعد وقتی فهمید من به راز او پی برده ام شوهرم را مجبور کرد مرا طلاق دهد. پس از جدایی از همسرم ابتدا سعی کردم موضوع را فراموش کنم، اما عذاب وجدان رهایم نمی کرد و هر شب دو دختر خردسال به خوابم می آمدند تا اینکه تصمیم گرفتم راز این قتل را بر ملا کنم. باشکایت زن جوان پرونده به دستور قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام مهشید را شناسایی و برای تحقیق به اداره پلیس دعوت کردند. زن میانسال وقتی ادعای عروس سابقش رویه رو شد در حالی که شوکه شده بود مدعی شد که اصلاً از شوهر قبلی اش فرزندی نداشته است که مرتکب قتل شده باشد. وی گفت: سالها قبل با شوهر اولم که حمید نام دارد ازدواج کردم، اما ما با هم سازگاری نداشتم. به همین خاطر پس از یکسال از هم جدا شدیم و بعد من با مرد دیگری ازدواج کردم و الان هم با او زندگی می کنم. چند سال قبل پسر کمابار با شبنم ازدواج کرد و ما هم موافق ازدواج آن ها بودیم، اما آن ها کم کم با هم اختلاف پیدا کردند. من سعی کردم آن ها به تفاهم برسانم، اما در نهایت پسر من او را طلاق داد. پس از این شهن همیشه فکر می کردم باعث جدایی آن ها شدم در صورتی که من اصلاً در زندگی آن ها دخالتی نداشتم. او پس از جدایی از من کینه به دل گرفت و

از شوهرش دو دخترش به طرز مرموزی به کام مرگ می روند و بعد هم او با مرد مورد علاقه اش ازدواج می کند که حاصل ازدواج دومش شوهر من است. او ادامه داد: من متوجه شدم که او عذاب وجدان دارد و آن شب سر نوشت تلخ خود را برای ما گفته بود. مهشید مدتی بعد وقتی فهمید من به راز او پی برده ام شوهرم را مجبور کرد مرا طلاق دهد. پس از جدایی از همسرم ابتدا سعی کردم موضوع را فراموش کنم، اما عذاب وجدان رهایم نمی کرد و هر شب دو دختر خردسال به خوابم می آمدند تا اینکه تصمیم گرفتم راز این قتل را بر ملا کنم. باشکایت زن جوان پرونده به دستور قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام مهشید را شناسایی و برای تحقیق به اداره پلیس دعوت کردند. زن میانسال وقتی ادعای عروس سابقش رویه رو شد در حالی که شوکه شده بود مدعی شد که اصلاً از شوهر قبلی اش فرزندی نداشته است که مرتکب قتل شده باشد. وی گفت: سالها قبل با شوهر اولم که حمید نام دارد ازدواج کردم، اما ما با هم سازگاری نداشتم. به همین خاطر پس از یکسال از هم جدا شدیم و بعد من با مرد دیگری ازدواج کردم و الان هم با او زندگی می کنم. چند سال قبل پسر کمابار با شبنم ازدواج کرد و ما هم موافق ازدواج آن ها بودیم، اما آن ها کم کم با هم اختلاف پیدا کردند. من سعی کردم آن ها به تفاهم برسانم، اما در نهایت پسر من او را طلاق داد. پس از این شهن همیشه فکر می کردم باعث جدایی آن ها شدم در صورتی که من اصلاً در زندگی آن ها دخالتی نداشتم. او پس از جدایی از من کینه به دل گرفت و

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

Advertisement grid for 'Eghtesad Kish' with 12 service boxes. Services include: Electrical services (انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژهای شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸), Home and office renovation (خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴), Carpentry and painting (حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰), Kitchen and equipment (تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس به همراه کلاسهای آمادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی ۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱), Storage (کابینت و تجهیزات اداری تخفیف باورنکردنی تا ۳۵٪ لوازم خانگی، مبلمان، تخت، تشک اقساط بی بهره ۷۶۹۱۷۹۵), Import/Export (نیازمندیهای اقتصاد کیش تلفنی آگهی می پذیرد ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴), Printing (مشاور امین ملکی شما در جزیره زیبای کیش ۰۹۳۳۶۷۵۰۹۱۴), Real Estate (اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه ها و ... با مه پاش های سرد - فوری), Security (ضد عفونی)

Advertisement for disinfection services. Text: 'ضد عفونی' (Disinfection), 'شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷', 'شرکت شانیدیز کیش' (Shanideez Kish Company), 'اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه ها و ... با مه پاش های سرد - فوری' (Quarantine places, residential, commercial, administrative, project areas, etc., cold fogging - urgent).